

## بررسی مسائل وضعیتی زنان سرپرست خانوار و بهروزی خانوادگی آنان (مورد مطالعه، زنان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی شهر ایلام)

سید علیقلی روشن<sup>۱</sup>، نور محمد یعقوبی<sup>۲</sup>، امین رضا کمالیان<sup>۳</sup>، همایون نوری<sup>۴</sup>، احسان نامدار

جویمی<sup>۵</sup>، مهین راشکی قلعه‌نو<sup>۶</sup>، فاطمه راشکی قلعه‌نو<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

<sup>۲</sup> استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

<sup>۳</sup> دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

<sup>۴</sup> دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان (نویسنده مسئول)

<sup>۵</sup> دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

<sup>۶</sup> دانشجوی دکترای مدیریت مالی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

<sup>۷</sup> کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

### چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روحی و روانی با بهروزی خانوادگی زنان سرپرست خانوار است. تحقیق از جهت هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و از نظر روش، پیمایشی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss19 و lisrel8/8 استفاده شده است. جامعه مورد نظر، زنان بدون سرپرست (خودسرپرست) زیر نظر کمیته امداد و بهزیستی ایلام است که جمعیتی بالغ بر ۱۱۸۴۰ نفر جمعیت دارد. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران با ضریب خطای اندازه‌گیری ۰/۰۵ (سطح اطمینان ۰/۹۵) بالغ بر ۳۷۲ نفر است. ما برای این که نمونه‌گیری از اطمینان بالاتری برخوردار باشد، نمونه را به تعداد ۷۵۰ نفر در نظر گرفته‌ایم (آلفای کرون باخ برای کل رابطه برابر با ۰/۹۰۶ است). نتایج نشان‌دهنده آن است که تمامی موارد به ترتیب اولویت اقتصادی، روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی با میزان ۰/۷۸، ۰/۶۷، ۰/۵۳، با بهروزی زنان سرپرست خانوار رابطه معنادار، معکوس و خطی دارند. عمده مسئله‌ای که این زنان با آن روبرو هستند، مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی (معیشتی) و روحی و روانی است که بسیار آنان را رنج می‌دهد. می‌توان گفت، علت اصلی مسائل روحی و روانی هم می‌تواند ناشی از مسائل اقتصادی باشد (در کل زنان سرپرست خانوار با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بسیاری روبرو می‌باشند که همین امر موجب بروز بسیاری از مشکلات روحی و روانی برای آنان می‌شود).

واژه‌های کلیدی: بهروزی خانوادگی، مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل فرهنگی، مسائل روحی و روانی.

## ۱- مقدمه

در اغلب جوامع، مردان سرپرست خانواده عمدتاً نقش اقتصادی حمایتی خانواده را بر عهده دارند و در مقابل آن، کارهای خانه و اداره امور آن به زنان خانواده محول می‌شود. در حالی که زنان سرپرست خانواده علاوه بر وظایف مادری و تربیت فرزندان نگهداری و مراقبت از آنان و اداره امور خانه، نقش اقتصادی خانواده را نیز بر عهده دارند و بدین جهت برای تأمین معاش خانواده ملزم به اشتغال می‌باشند (فوگل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶)؛ بنابراین مسائل و مشکلات آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار بیشتر می‌شود. با اینکه عده‌ای معتقدند ساختار صنعتی به نفع وضعیت شخصی زنان بوده و نرخ اشتغال آنان را افزایش داده است؛ اما این مسئله درباره زنان سرپرست خانوار صحت ندارد، زنان سرپرست خانوار همچنان از نرخ بالای بیکاری و فقر در رنج‌اند و فرزندان آنان نیز بیشترین میزان فقر و محرومیت را تجربه می‌کنند، به طوری که ۸۱٪ از بچه‌هایی که در خانواده‌هایی با سرپرست زن به سر می‌برند زیر خط فقر هستند (نوابخش، ۱۳۸۹، ۸۶).

این زنان فرصت کمی برای اشتغال و کار دارند. نرخ مشارکت آنان ۵۰٪ مردان است. حتی زمانی که زنان کاری پیدا می‌کنند. حقوق و دستمزدشان خیلی کم است. متوسط درآمد زنان ۵۱٪ مردان است. زنان به طور وسیعی از قدرت تصمیم‌گیری محروم‌اند و آنان ۱۷٪ مشاغل مدیریتی را بر عهده دارند و با اینکه از نظر انطباقی متعهد و آن‌ها نسبت به مردان بهتر عمل می‌کنند برای انتخاب در مسائل سطح بالا بیشتر مردان را انتخاب می‌کنند (نجف‌آبادی، ۱۳۸۰، ۵۰). امروزه پدیده خانوارهای زن سرپرست به دلایل مختلف در دنیا رو به افزایش است، اغلب این خانواده‌ها دارای مشکلات فراوان هستند، به گونه‌ای که فزونی این گروه از زنان به صورت یک مشکل اجتماعی مطرح می‌شود (خسرو زهره، ۱۳۸۷)؛ و علی‌رغم این که واژه بهروزی اغلب در ادبیات روانشناسی و اقتصاد مورد توجه قرار گرفته با این حال بررسی بهروزی خانوادگی زنان سرپرست خانوار در حوزه جامعه‌شناسی به عنوان سازمان‌های پرورش‌دهنده افراد در سازمانی بزرگ‌تر به اسم جامعه ضروری به نظر می‌رسد و با توجه به نقش چندگانه زنان خانه‌دار در محیط درونی و بیرونی خانواده بررسی رابطه مسائل مربوط به وضعیت اجتماعی و اقتصادی این قشر آسیب‌پذیر بر بهروزی خانوادگی امری مهم است.

در میان اکثر جوامع انسانی پدر به عنوان اصلی‌ترین و محوری‌ترین عضو خانواده مسئولیت سرپرستی و مدیریت خانواده را بر عهده دارد، به همین خاطر پدیده بی‌سرپرستی در اغلب تعاریف با عنوان فقدان پدر در خانواده تعریف می‌شود و غیبت وی در مسائل اقتصادی، مدیریت خانواده و بهروزی خانواده مؤثر است. از سوی دیگر زن در قوانین و مقررات حقوقی ایران وظیفه‌ای در تأمین نیازهای خانواده ندارد و مسئولیت مهم وی در تربیت نسل انسانی و فراهم‌سازی رشد و بهروزی خانواده است (بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰).

تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهند که امروزه ۶۰ درصد زنان در جهان، نان‌آور خانه هستند و ۳۷/۵ درصد خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می‌کنند (مطیع، ۱۳۷۸، ۱۱). شاخص‌های آماری نشان می‌دهد رشد زنان سرپرست خانوار در کشور ما نیز در حال افزایش است. داده‌های آماری حاکی از روند رو به افزایش تعداد نسبت زنان سرپرست خانواده در سه دهه اخیر است. به طوری که در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۳/۱، ۴/۷ و ۷/۷ درصد از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده‌اند (بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰). این نسبت در سال ۸۵ به ۹/۴ رسید که نسبت به سال ۷۵ یک درصد رشد داشته است. مطابق با آمار سازمان بهزیستی کشور طی سال‌های ۷۵-۸۵ هر ساله تعداد ۶۰ هزار و سیصد نفر به جمعیت زنان سرپرست خانوار پیوسته است و تا سال ۱۳۸۷ این تعداد به ۱ میلیون و شصت هزار زن سرپرست خانوار شهری و ۴۷۹ هزار زن سرپرست روستایی و یک هزار و ۲۱۱ زن سرپرست عشایری در کشور وجود دارد (سازمان بهزیستی، ۱۳۸۷). زنان سرپرست خانوار از آن زمان که همسر خود را به هر دلیلی از دست می‌دهند مجبور به ایفای نقش‌های چندگانه‌ای می‌شوند که در تعارض با یکدیگر قرار دارند گروه عمده‌ای از این زنان با فقر و ناتوانی، بی‌قدرتی به‌ویژه در امور اقتصادی خانوار

<sup>1</sup> Fogel

روبه‌رو هستند به طوری که عزت نفس و سلامت روانی آنان را مختل و زمینه ابتلا به افسردگی و سایر اختلالات را فراهم (لنگ لویس و فورتین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

باین حال با وجود افزایش نسبی در نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فراگیری آگاهی‌ها معلومات، دانش و کسب تجارب فردی هنوز هم انواع استرس‌ها بر زندگی زنان سایه افکنده است و نمی‌توان این استرس‌ها را از محیط زندگی آنان حذف کرد (طباطبایی یحیی‌آبادی، ۱۳۸۴، ۳۶۱). با وجود این استرس‌ها در زندگی افراد خانواده با سرپرست زن آیا فرصت مناسب برای کسب بهروزی در خانواده و رشد تعالی وجود دارد؟ بهروزی سازمانی به عنوان شالوده تفکرات مثبت‌گرایی در سیستم‌های پویای سازمانی مطرح می‌شوند. حال پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا ارتباطی بین مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روحی و روانی زنان سرپرست خانوار شهر ایلام و میزان بهروزی آنان در خانواده وجود دارد؟

اگر به این گروه از زنان توجه نشود، موجبات طرد آنان از جامعه فراهم‌شده از یک‌سو مشکلات عدیده‌ای همچون روی آوردن به جرم و فساد و از سوی دیگر ایجاد اختلال در تربیت نیروهای فعال و جوان جامعه و افزایش تعداد خانواده‌های ناآرام و شیوع اختلالات روحی روانی و جسمی در اعضای خانواده به دلیل نبود محیطی شاداب و درنهایت گسترش فقر مادی و فرهنگی در جامعه می‌شود. در نتیجه لازم و ضروری است که رابطه بین مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این قشر با میزان بهروزی آنان در خانواده تعیین شود تا به بهترین وجه به این قشر آسیب‌پذیر رسیدگی شود تا در تربیت نیروهای فعال و جوان در شهر ایلام با مشکل روبه‌رو نباشیم و هم‌چنین در صورت تبیین این رابطه می‌توان در تحقیقات آینده با توجه به شناسایی عوامل مؤثر بر بهروزی این خانواده‌ها از میزان، فقر، اختلاف طبقاتی و فرهنگی این قشر با دیگر اقشار جامعه کاست. تا هم این قشر آسیب‌پذیر در رفاه بیشتری باشند و هم میزان ارتکاب به خلاف به دلیل فقر، در این قشر کاهش یابد.

## ۲- ادبیات تحقیق

مسائل مربوط به وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار مورد توجه و بررسی اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرار گرفته است؛ در واقع گسترش این شکل از خانواده‌ها در همه کشورهای جهان چه صنعتی و چه جهان سوم ضرورت این بررسی را ایجاد کرده است.

### ۲-۱- نظریه‌های روانشناسی

روانشناسان معتقدند یکی از عمده‌ترین منابع استرس برای زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانواده، ایفای نقش‌های متعدد در زمان واحد است؛ آدامز اختلالات روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار مطلقه را بررسی نموده و اظهار می‌دارد، مادر پس از طلاق در برابر یک سری از مشکلات مانند تأمین مراقبت از کودک، یافتن سرپناهی مناسب و تأمین معیشت خانواده و دشواری‌های ناشی از این‌که او تنها بزرگسال خانواده است، قرار می‌گیرد و باید نقش پدر و نقش مادر را هم‌زمان به عهده بگیرد، به همین دلیل باید به ایفای نقش‌های چندگانه‌ای بپردازد که در برخی موارد ایفای این نقش‌ها باهم در تعارض هستند، در نتیجه زن هم از حیث مادی و هم از حیث روانی عاطفی دچار مشکل گردیده و استرس و اضطراب بیش‌تری را تجربه می‌کند (بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۸).

### ۲-۲- نظریه‌های جامعه‌شناسی

#### ۲-۲-۱- نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار

طرفداران این نظریه معتقدند که خانواده‌های زن سرپرست نه‌تنها در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند، بلکه به درصد خانواده‌های زن سرپرستی که در جمعیت کم‌درآمد قرار دارند، افزوده شده است. این مسئله حتی در کشورهای پیشرفته‌ترین

<sup>2</sup> Langlois & Fortin

قوانین را به نفع زنان داشته‌اند دیده‌شده است. کودکان در این خانواده امکانات رفاهی و عاطفی ناچیزی دارند، یعنی اولاً به دلایل فقیر بودن خانواده، حضور کم‌تری در مدارس دارند و میزان افت تحصیلی آنان بیش‌تر از کودکان خانواده‌های دو والدی است. (کوهن و کیسمن ۱۹۹۴، به نقل از مطیع ۱۳۷۸) و ثانیاً به دلیل کم‌سوادی مادران کم‌تر برای انجام تکالیف در خانه کمک و تشویق می‌شوند. میزان بزهکاری در میان نوجوانان این خانواده‌ها بیش‌تر از سایر نوجوانان است (آماتو استولبا به نقل از مطیع، ۱۳۷۸) مشکل دیگر این زنان، فقر زمانی است؛ یعنی زنانی که به‌طور تمام‌وقت در شبکه رسمی بازار، کار می‌کنند برای انجام وظایف خانگی، رسیدگی به کودکان و رسیدگی به خودشان وقت کافی ندارند. فقر زمانی هنگامی که با فقر مادی همراه شود، این گروه را آسیب‌پذیر می‌کند (بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴).

### ۲-۲-۲- نظریه ساختی کارکردی

بر اساس این نظریه، خانواده‌های زن سرپرست اساساً با شکل طبیعی و سنتی خانواده‌های دو والدی در تضادند و در واقع پیدایش این گروه از خانواده‌ها، نوعی انحراف محسوب می‌شود. در این خانواده‌ها به علت غیبت پدر و عدم زندگانی زوجی، شانس‌های زندگی کودکان تا حد زیادی کاهش می‌یابد و عدم اقتدار پدر برای سامان‌دهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می‌کند، بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به‌جای انجام‌وظیفه سنتی خانه‌داری شروع شده و به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می‌شود (چانت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷).

### ۲-۲-۳- نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت

قائلان به این نظریه معتقدند که فقر و آسیب‌پذیری، مقوله‌ای طبقاتی است؛ نه جنسیتی. مهم‌ترین شاخص‌های تعیین طبقه، عبارت‌اند از درآمد، تحصیل و شغل. بر این اساس همه زنان سرپرست خانوار، آسیب‌پذیر و فقیر نیستند بلکه آن گروهی که درآمد کم‌تر، تحصیل کم‌تر و شغل کم‌منزلت‌تر دارند و در طبقه پایین اجتماع جای می‌گیرند فقیرتر و آسیب‌پذیرتر هستند.

### ۲-۲-۴- نظریه کنش

طرفداران این نظریه معتقدند، اگرچه خانواده‌های زن سرپرست مشکلات متعددی (به دلیل تحصیلات کم، تبعیض بازار کار) دارند ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می‌پذیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به‌عبارت‌دیگر نمی‌توان این گروه را کاملاً قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد کودکانی که در خانواده‌های تک‌والد بزرگ‌شده‌اند اغلب استقلال و خوداتکایی بیش‌تری دارند (کمین، به نقل از مطیع، ۱۳۷۸). به عقیده طرفداران این نظریه، شواهدی که از نزدیک موقعیت زندگی زنان سرپرست را می‌سنجد، نشان می‌دهد اطلاق لفظ آسیب‌پذیر به‌طور مطلق درست نیست؛ زیرا به این ترتیب واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایطشان نادیده گرفته می‌شود (موتی، ۱۹۹۷، به نقل از مطیع)؛ در واقع دلایل فقر در بیش‌تر خانواده‌های زن سرپرست را نمی‌توان فقط به عوامل ساختاری یا تفاوت‌های جنسیتی نسبت داد؛ بلکه ترکیبی از عوامل یادشده در این مسئله دخالت دارند (بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۵).

### ۲-۳- بهروزی سازمانی

با ظهور نهضت روانشناسی مثبت‌گرا در دهه نود میلادی، دیدگاه‌های علمی توجه خود را به ظرفیت‌های مثبت انسان معطوف داشته و پارادایم مثبت‌اندیشی در عرصه سازمانی با ظهور سه نهضت پژوهش سازمانی مثبت‌گرا، رفتار سازمانی مثبت‌گرا و سرمایه روان‌شناختی مثبت تکامل یافت. نقطه اوج نظریه‌پردازی و پژوهش‌های مرتبط با پارادایم مثبت‌گرایی در حیطه بهروزی

<sup>3</sup> chant

متجلی می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۷، ۱۳۹۲). بیشتر پژوهش‌ها در حیطه مادی به بحث بهروزی سازمانی نگریسته‌اند. خانواده‌های زن سرپرست به‌عنوان سازمان‌هایی اجتماعی نیازمند بررسی بهروزی هستند بر این اساس بهروزی سازمانی اشاره به جنبه‌های روان‌شناختی، ذهنی، اجتماعی و معنوی دارد که مبین وجود نیروی الهام‌بخش و برانگیزاننده به‌منظور کاوش مداوم معناداری در زندگی درک عمیق و ژرف از ارزش زندگی، با توجه به‌نظام باور شخصی، اعتلای سلطه روانی و روابط اجتماعی سازنده است. شکل ۱ مؤلفه‌های هر یک از این ابعاد را نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۱. گونه شناسی بهروزی سازمانی

## ۴-۲- مسائل وضعیتی زنان سرپرست خانوار (اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی-روحی و روانی)

### ۴-۲-۱- مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی-اجتماعی

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که در جامعه از مشکلات عدیده‌ای (اقتصادی اجتماعی فرهنگی و روانی و...) رنج می‌برند که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره نمود: وجود تعارضات خانوادگی-احساس ناامنی در جامعه و عدم امنیت، کمبود تجربه و عدم مهارت، بی‌سواد یا کم‌سواد، عدم برخورداری از بیمه و حمایت‌های اجتماعی. نداشتن شغل و یا برخورداری از مشاغل نامناسب (به لحاظ درآمد و منزلت شغلی) دستمزد کم و ناچیز، فقر، ترس و نگرانی از آینده مبهم و نامعلوم، ناتوانی در تهیه مسکن مناسب-سکونت در محله‌های نامناسب. به‌طورکلی این عوامل در چهار دسته عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل روحی و روانی قابل تقسیم بندی هستند.

### ۴-۲-۲- مسائل مربوط به وضعیت روحی و روانی

این دسته از زنان به دلیل داشتن چند نقش مختلف به‌طور همزمان مانند اداره امور خانه، تربیت و مراقبت از فرزندان به‌تنهایی و کار خارج از خانه با دستمزد کمتر، استرس و مسائل و مشکلات روانی بسیاری را تجربه می‌کنند. همان‌طور که تحقیقات نشان داده‌اند میزان افسردگی، اضطراب انزوا و شکایات جسمانی در میان این قشر بسیار زیاد است (خسروی، ۱۳۸۳، ۶۲-۶۸).

### ۲-۴-۳- مسائل مربوط به وضعیت فرهنگی

مسئولیت خانواده که ارتباط تنگاتنگی با مسئولیت‌های اجتماعی برقرار می‌کند، زنان سرپرست خانوار را در فشارهای مضاعفی قرار می‌دهد و این در حالی است که جامعه هنوز در ساختار فرهنگی به سر می‌برد که به آنان اجازه حضور مستقیم در جامعه را نمی‌دهد و هرگونه ارتباط در دایره محیط اجتماعی انگشت اتهام را به سوی آنان به دنبال دارد؛ همچنین دیدگاه‌های غیرمنصفانه جامعه نسبت به زنان فاقد همسر، اطلاق کلماتی نظیر مطلقه یا بیوه، از مواردی است که حقارت، ترس، خجالت و درماندگی و رنج این زنان را دوچندان می‌نماید؛ یکی دیگر از مشکلات فرهنگی که این قشر با آن روبرو هستند، مسئله ازدواج مجدد است، هنوز هم در برخی مناطق ازدواج مجدد زنان به سبب عواملی چون فشارهای فرزندان -خانواده شوهر و حتی خانواده زنان و در یک کلمه فرهنگ نادرست، نه تنها جرم بلکه گناه نابخشودنی به شمار می‌رود؛ نیاز طبیعی به همسر همان اندازه که مردان را رنج می‌دهد، برزنان نیز فشار می‌آورد؛ زیرا مسئولیت دوچندان مدیریت مسائل داخلی و بیرونی خانواده به‌عنوان سرپرست برای زنان دشوارتر از مردان است؛ از دیگر مشکلات فرهنگی زنان سرپرست خانوار می‌توان به عدم ارائه خدمات آموزشی، مشاوره‌ای - کاریابی، عدم دسترسی به کالاهای فرهنگی، فراغت نامناسب، عدم قوانین و مقررات مناسب و حمایتی در خصوص حقوق زنان و... نام برد (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۳).

### ۳- پیشینه تجربی

- مهرداد نوابخش و نرگس مولایی تحقیقی تحت عنوان بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار بر مبنای عضویت در سازمان‌های اجتماعی در استان ایلام انجام داده‌اند که این پژوهش در سال ۱۳۸۷ به روش پیمایشی صورت گرفته که یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد، زنان سرپرست خانوار در این استان به لحاظ اشتغال و تحصیلات فرزندانشان مشکلی نداشته ولی دارای مشکلات اقتصادی، اجتماعی مانند بی‌سوادی، تحصیلات پایین، کمبود رفاه اجتماعی سکونت در محله‌های حاشیه‌ای و... هستند.
- سعید معید فر و نفیسه حمیدی در تحقیقی با عنوان زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۶ به بررسی مسائل مربوط به وضعیت زنان سرپرست خانوار پرداخته و مشکلات زنان سرپرست خانوار با عنوان مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در این تحقیق بیان شده است.
- شهناز طباطبایی یحیی‌آبادی و سیمین حسینیان در تحقیقی با عنوان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار که در مجله خانواده پژوهی زمستان ۱۳۸۴ به چاپ رسیده بیان می‌دارند که برنامه مشاوره گروهی بر عزت نفی زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد. همچنین برنامه‌های آموزشی کارآفرینی با عزت‌نفس آنان تأثیر دارد.
- ام لیلا تاتینا بلداجی، آمنه فروزان و حسن رفیعی در تحقیقی با عنوان کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی در سال ۱۳۸۹ که با روش علی-مقایسه‌ای صورت گرفت، به این نتیجه دست یافتند زنان سرپرست خانواده و زنان شاغل خدماتی دارای کیفیت زندگی متوسطی هستند، اما در زنان شاغل خدماتی این مقدار بیشتر است.
- حسن دانایی‌فرد و ناهید امراللهی بیوکی و علی‌اصغر فانی و علی‌رضاییان، تحقیقی با عنوان کنکاشی پیرامون پیش‌آیندهای مؤثر بر فرایند شکل‌گیری بهروزی سازمانی در بهار ۱۳۹۲ انجام داده‌اند؛ آن‌ها پدیده بهروزی سازمانی را در ادارات دولتی مورد بررسی قرار دادند که نتایج حاصل از این تحقیق تأییدکننده متغیرهای شناسایی شده در فرایند بهروزی سازمانی است.

## ۴- سؤالات پژوهش

- سؤال شماره ۱: بین مسائل مربوط به وضعیت اجتماعی و بهروزی زنان خودسرپرست چه رابطه ای وجود دارد؟
- سؤال شماره ۲: بین مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی و بهروزی زنان خودسرپرست چه خانوادگی رابطه ای وجود دارد؟
- سؤال شماره ۳: بین مسائل مربوط به وضعیت فرهنگی و بهروزی زنان خودسرپرست چه خانوادگی رابطه ای وجود دارد؟
- سؤال شماره ۴: بین مسائل مربوط به وضعیت روحی روانی و بهروزی زنان خودسرپرست چه رابطه ای وجود دارد؟

## ۵- روش تحقیق

## ۵-۱- جامعه آماری و روش نمونه گیری

تحقیق از جهت هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و از نظر روش، پیمایشی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss 19 و lisrel 8/8 استفاده شده است. جامعه موردنظر، زنان بدون سرپرست و خودسرپرست زیر نظر کمیته امداد و بهزیستی شهر ایلام است که جمعیتی بالغ بر ۱۱۸۴۰ نفر جمعیت دارد. تعداد نمونه با استفاده از جدول کرجسی - مورگان برابر با ۳۷۴ نفر است و با استفاده از فرمول کوکران با ضریب خطای اندازه گیری ۰/۰۵ (سطح اطمینان ۰/۹۵) بالغ بر ۳۷۲ نفر است. ما برای این که نمونه گیری از اطمینان بالاتری برخوردار باشد، نمونه را به تعداد ۷۵۰ نفر، (تقریباً دو برابر نمونه کافی) در نظر گرفته ایم.

## جدول شماره ۱. توصیف نمونه مورد بررسی در پژوهش

وضعیت تحصیلی زنان بی سرپرست	لیسانس بالاتر	دیپلم	سیکل	ابتدایی و بی سواد
	۰.۰۵	۰.۳۴	۰.۳۴	۰.۲۳
تعداد فرزندان	سه الی بیشتر	دو الی سه	یک و کم تر	
	۰.۱۴	۰.۶۳	۰.۲۳	
علت از دست دادن همسر (مرد)	شهید - متوفی	طلاق	عدم تمکین و غیره	
	۰.۵۲	۰.۴۶	۰.۰۲	
شاغل و یا غیر شاغل	شاغل	غیر شاغل		
غیر شاغل بودن زنان بی سرپرست	کارآفرین	کار برای دیگران		
	درون خانه	بیرون خانه	۰.۲۱	
	۰.۲۰	۰.۲۴	۰.۱۳	
نوبت های کاری در ایام عادی هفت برای زنان شاغل	بیشتر از ۸ ساعت	۸ ساعت	کم تر از هشت ساعت	
	۰.۶۸	۰.۳۱	۰.۰۱	

شاغل و یا غیر شاغل بودن فرزندان در صورت وجود	شاغل کارآفرین درون خانه	کار برای دیگران درون خانه	بیرون خانه	غیر شاغل ۰/۶۴
	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۲۳
تعداد ساعات کنار هم بودن اعضای خانواده درجه ۱ در هفته	بیشتر از یک روز در هفته	یک روز در هفته	کمتر از یک روز در هفته	
	۰/۶۹	۰/۰۹	۰/۲۲	
تعداد ساعات تفریح و سرگرمی (فراغت) در هفته	بیشتر از یک روز در هفته	یک روز در هفته	کمتر از یک روز در هفته	
	۰/۰۱	۰/۲۱	۰/۷۸	
مشارکت و عضویت در گروه‌های اجتماعی (ورزشی، سرگرمی و هنری و ...) (غیر کاری)	بله	خیر		
	۰/۲۱	۰/۷۹		
اعتماد به خانواده درجه یک و دوستان	بله	خیر		
	۰/۸۸	۰/۱۲		

### ۵-۲- ابزار

ابزار جمع‌آوری اطلاعات از راه پرسش‌نامه محقق ساخته (پنج گزینه‌ای طیف لیکرت) است که میان جامعه به صورت تصادفی پخش شده است. پرسش‌نامه شامل ۳۷ مؤلفه است که ۴ مؤلفه برای سنجش مسائل فرهنگی و ۴ مؤلفه برای سنجش مسائل روحی و روانی و ۴ مؤلفه برای مسائل اجتماعی و ۴ مؤلفه برای مسائل اقتصادی و ۵ مؤلفه برای سنجش بهروزی خانواده (برای هر بعد از چهار بعد بهروزی ۴ مؤلفه در نظر گرفته شده است)، تهیه شد.

### ۵-۳- روایی

روایی پرسش‌نامه از نظر صوری توسط خبرگان (۲ استادیار جامعه‌شناسی، ۲ استادیار مدیریت و ۱ دانشیار مدیریت) مورد تأیید قرار گرفت. روایی سازه توسط تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفته است و تمامی بارهای عاملی سؤالات پژوهش برای متغیرهای X و Y، بالای ۰.۵ (سطح قابل قبول و مورد پذیرش) بوده‌اند که و عامل‌های برازش نیز از نیکویی قابل قبول برخوردار بوده‌اند که نشان‌دهنده آن است که سؤالات به‌خوبی مفاهیم مورد بررسی را می‌سنجند.

### ۵-۴- پایایی

پایایی پرسش‌نامه از طریق نرم‌افزار spss<sup>۱۹</sup> از طریق آزمون آلفای کرون باخ مورد ارزیابی قرار گرفت که مقادیر مختلف آن در جدول شماره ۲ آمده است.



جدول شماره ۲. مقادیر آلفای کرونباخ (پایایی)

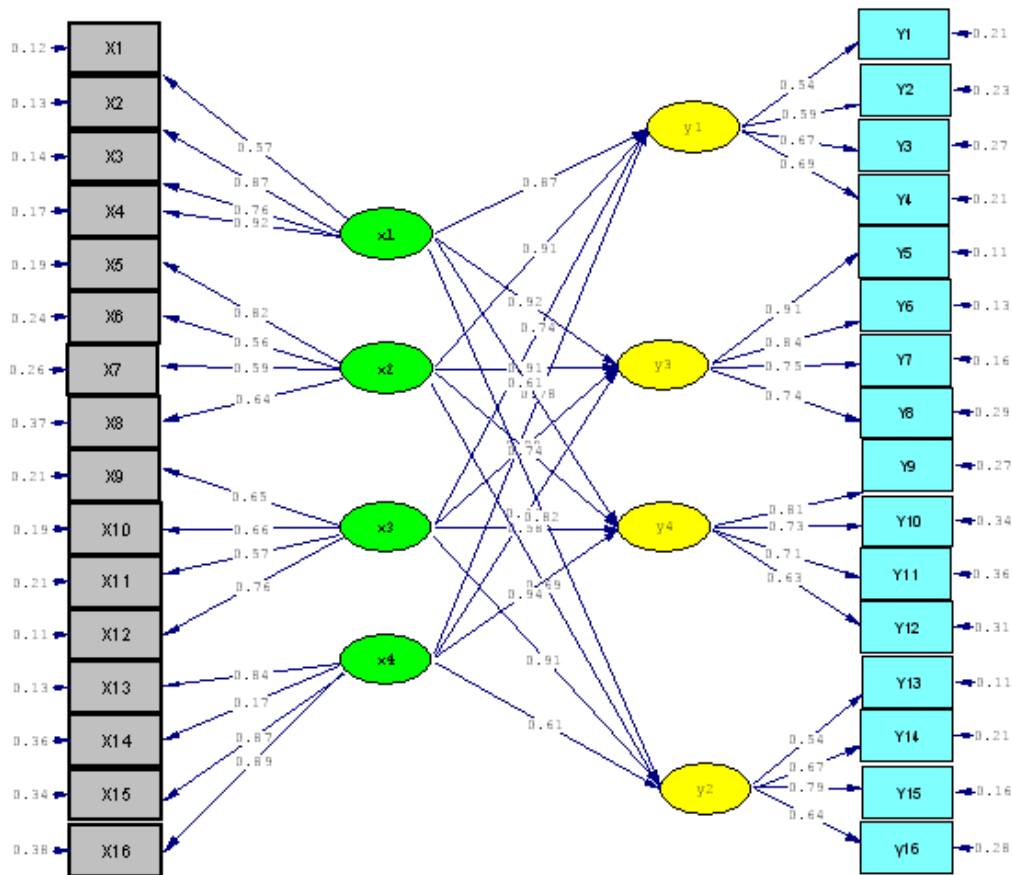
اقتصادی	اجتماعی	روحی و روانی	فرهنگی	بهروزی
۰/۸۷۷	۰/۸۳۱	۰/۸۹۱	۰/۸۷۱	۰/۷۷۴

آلفای کرون باخ، برای کل رابطه برابر با ۰/۹۰۶ است.

آلفای کرون باخ، میزان پایایی پرسش‌نامه را نشان می‌دهد و چنانچه میزان آن در پژوهش‌ها بیش از ۰.۷ باشد، از میزان قابل قبولی و خوبی برخوردار است که همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است، این میزان برای تمامی متغیرهای موردبررسی در این پژوهش، از میزان بالا و قابل قبولی برخوردار است (تمامی متغیرها بالاتر از ۰.۷ می‌باشند که پایایی آن‌ها قابل قبول و مطلوب است).

### ۶- تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار lisrel8.8

#### ۶-۱- مدل در حالت تخمین استاندارد

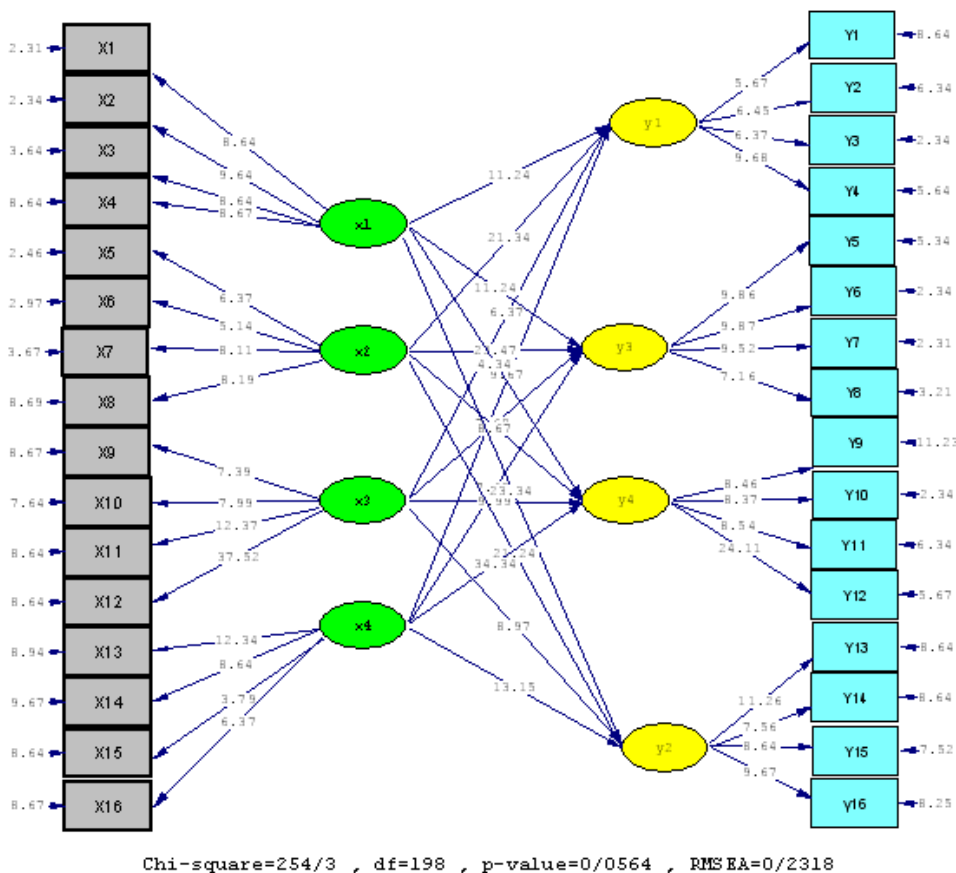


Chi-square=254/3 , df=198 , p-value=0/0564 , RMS EA=0/2318

شکل شماره ۲. مدل در حالت تخمین استاندارد

مدل در حالت تخمین استاندارد نشان‌دهنده ضرایب بتای استاندارد شده است. همان‌طور که در بالا قابل رؤیت است؛ تمامی بارهای عاملی بین سؤالات (مستطیل‌ها) و متغیر مکنون (بیضی‌ها) بالای ۰.۵ هستند که نشان‌دهنده روایی سنجی از نوع همگرا و تأیید روایی پرسش‌نامه است. همین‌طور ضریب استاندارد بین دو متغیر مکنون نیز نشان‌دهنده میزان رابطه موردبررسی در سؤالات پژوهش است.

۶-۲- مدل در حالت ضرایب معناداری



شکل شماره ۳. مدل در حالت ضرایب معناداری

میزان اماره t نشان‌دهنده ضریب معناداری و تأیید معنادار بودن و یا معنادار نبودن روابط مربوطه در پژوهش است. با توجه به ضریب خطا در نظر گرفته‌شده در این پژوهش که برابر با ۰.۰۵ است میزان تأیید معناداری در این پژوهش برابر با ۱.۹۶ است، از این رو همان‌طور که در مدل بالا قابل مشاهده است، رابطه مورد بررسی در سؤالات پژوهش معنادار و تأیید شده است.

۶-۳- آزمون مدل یابی معادلات ساختاری سؤالات پژوهش

در این قسمت به دنبال اثبات یا رد سؤالات پژوهش هستیم. جدول زیر، شاخص‌های برازش مدل از قبیل کای دو، GFI، RMSEA و... را نشان می‌دهد. اگر مقدار  $\chi^2$  کم، نسبت  $\chi^2$  به درجه آزادی (df) کوچک‌تر از ۳ و بزرگ‌تر از ۱، RMSEA کوچک‌تر از ۰.۰۸، و نیز GFI و AGFI بزرگ‌تر از ۰.۹۰ و ۰.۸۰ باشند، می‌توان نتیجه گرفت که مدل اجرا شده برازش مناسبی دارد. ضریب استاندارد رابطه موجود نیز در صورتی که ارزش t، از ۱.۹۶ بزرگ‌تر یا از ۱.۹۶- کوچک‌تر باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار خواهد بود.

جدول شماره ۳. مدل معادلات ساختاری سؤالات پژوهش

نتیجه سؤال پژوهش	ضرایب معناداری	میزان اثر (حالت استاندارد)	AGFI	GFI	RMSEA	Df	کای دو	شماره سؤال
تائید	۹/۶۷	-۰/۵۳	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۰۰۱۳	۱۲۳	۱۴۶/۸	۱
تائید	۱۱/۲۷	-۰/۷۸	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۰۰۱۳	۱۲۳	۱۴۶/۸	۲
تائید	۲۳/۶۴	-۰/۶۷	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۰۰۱۳	۱۲۳	۱۴۶/۸	۳
تائید	۸/۶۴	-۰/۸۵	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۰۰۱۳	۱۲۳	۱۴۶/۸	۴

همان‌طور که مشاهده می‌شود، با توجه به معنی‌دار بودن ارزش  $t$ ، اعتبار و برازندگی مناسب مدل تأیید می‌شود، چراکه مقدار و نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از ۳ و بیشتر از ۱ و مقدار RMSEA کمتر از ۰.۰۸ و مقدار GFI و AGFI نیز بالای ۹۰ درصد و ۸۰ درصد است. لذا تمامی سؤالات تأیید می‌شوند.

#### ۴-۶- خلاصه یافته‌های پژوهش

- ۱- بین مسائل مربوط به وضعیت اجتماعی و بهروزی زنان سرپرست خانوار سرپرست خانوار چه رابطه ای وجود دارد؟  
تائید. ( $R=0/533$ )
- ۲- بین مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی و بهروزی زنان سرپرست خانوار چه رابطه ای وجود دارد؟ تائید. ( $R=0/782$ )
- ۳- بین مسائل مربوط به وضعیت فرهنگی و بهروزی زنان سرپرست خانوار چه رابطه ای وجود دارد؟ تائید. ( $R=0/671$ )
- ۴- بین مسائل مربوط به وضعیت روحی روانی و بهروزی زنان سرپرست خانوار چه رابطه ای وجود دارد؟ تائید. ( $R=0/853$ )

#### ۷- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، بررسی رابطه مسائل مربوط به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روحی و روانی با بهروزی خانوادگی زنان سرپرست خانوار است که برای این کار از زنانی که زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی بودند استفاده کردیم. در این راستا چهار سؤال شکل گرفت که تمامی آنان مورد تأیید قرار گرفتند. (تمامی سؤالات با میزان قوی و خطی مورد تأیید قرار گرفتند). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار (خودسرپرست)، ۰/۹۵ غیردانشگاهی بوده و دارای مدرک دیپلم رو به پایین هستند (تحصیلات متوسط و بعضاً بی‌سواد) و از طرفی تعداد زیادی (۰/۷۷) از آنان دو یا بیشتر فرزند دارند؛ یعنی علاوه بر اینکه سرپرست خود بوده، سرپرست خانواده‌ای متشکل از چندین فرزند می‌باشند و این به معنای مشکلات بیشتر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روحی و روانی برای این زنان است. بیشتر زنان مورد مطالعه (حدود ۰/۹۷) یا شوهران خود را ازدست‌داده و یا طعم تلخ طلاق را چشیده‌اند که این خود، روی مباحث روحی و روانی آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. قبلاً بیان شده که ۰/۷۷ زنان سرپرست خانوار، تعداد دو فرزند یا بیشتر دارند که این مورد باعث می‌شود که ۰/۷۹ آنان، علاوه بر زیر نظر کمیته و بهزیستی بودن (گرفتن مقرری)، اشتغال داشته باشند تا مخارج خانواده را تأمین نمایند و این می‌تواند بازمم باعث کاستی‌هایی در وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روحی و روانی آنان شود. ۰/۹۹ زنان شاغل سرپرست خانوار، روزی هشت ساعت یا بیشتر کار می‌کنند و این باعث می‌شود که کمتر در کنار خانواده و فرزندان خود باشند و یا زمان زیادی را برای فراغت و تفریح نداشته باشند. علاوه بر خودزنان سرپرست خانوار، در بعضی از خانواده‌ها هم فرزندان شاغل است و این آمار در حدود ۰/۴۶ است. ولی ۰/۶۴ فرزندان با سرپرست زن، فرزندهایشان اشتغال ندارند و در حال تحصیل می‌باشند که این نشان‌دهنده آن است

که زنان سرپرست خانوار حاضر هستند که خود تحت فشارهای روحی و روانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار باشند، اما فرزندان آنان از حداقل فشار باشد. آمار نشان می‌دهد که ۰/۷۸ زنان سرپرست خانوار حداقل یک روز یا بیشتر در کنار خانواده (فرزندان) خود هستند و شاید، بتوان گفت که روزهای تعطیل را کاملاً در کنار خانواده خود می‌گذرانند. از طرف دیگر، زنان سرپرست خانوار، مشارکت و عضویت ناچیزی در گروه‌های اجتماعی (غیر کاری) دارند، ولی اعتماد بالایی نسبت به فرزندان و خانواده درجه یک خود دارند. پاسخی که برای سؤالات مطروحه در متن مقاله به دست آمد، نشان‌دهنده آن است که تمامی موارد به ترتیب اولویت اقتصادی، روحی و روانی، اجتماعی و فرهنگی با میزان ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۶۷، ۰/۵۳ با بهروزی زنان سرپرست خانوار رابطه معنادار، منفی (غیرمستقیم)، قوی و خطی دارند. نتایج نشان می‌دهد که عمده مسئله‌ای که این زنان با آن روبرو هستند، مسائل اقتصادی (معیشتی) و روحی و روانی است که بسیار آنان را رنج می‌دهد. می‌توان گفت، علت اصلی مسائل روحی و روانی هم می‌تواند ناشی از مسائل اقتصادی بوده باشد. چون اکثر این زنان تحصیلات غیردانشگاهی داشته و مقرری ناچیزی از کمیته و بهزیستی دریافت می‌کنند، دور از انتظار نیست که قریب بالا اتفاق آنان مشکل مالی و اقتصادی داشته باشند. مسئله دیگری که این زنان سرپرست خانوار با آن روبرو می‌باشند، مسائل اجتماعی و فرهنگی است. چون اکثر زنان سرپرست خانوار، تعداد فرزندان دو الی بیشتر دارند، شانس کم‌تری هم برای ازدواج مجدد دارند و مسائل اجتماعی و فرهنگی فرزندان نیز بخشی از مسائل اجتماعی و فرهنگی آنان را تشکیل می‌دهد که خود فشار مضاعفی را بر آنان تحمیل می‌نماید. درست است که زنان سرپرست خانوار (خودسرپرست) جای خالی شوهرشان را با فرزندان خود پر می‌کنند، ولی هم چنان بازهم نیمه‌خالی لیوان، خالی خواهد ماند و کسی نیست که در سختی آنان، تکیه‌گاه و مرهمی برای زخم‌های آنان باشد و این یعنی بازهم فشار مضاعف اقتصادی، اجتماعی، روحی و روانی و فرهنگی.

مهرداد نوابخش و نرگس مولایی تحقیقی تحت عنوان بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار برمبنای عضویت در سازمان‌های اجتماعی در استان ایلام انجام داده‌اند که این پژوهش در سال ۱۳۸۷ به روش پیمایشی صورت گرفته که یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد، زنان سرپرست خانوار در این استان به لحاظ اشتغال و تحصیلات فرزندانشان مشکلی نداشته ولی دارای مشکلات اقتصادی، اجتماعی مانند بی‌سوادی، تحصیلات پایین، کمبود رفاه اجتماعی سکونت در محله‌های حاشیه‌ای و... هستند. این نتایج، یافته‌های حاصل از این پژوهش را تأیید می‌کند و یافته‌های پژوهش ما با این پژوهش هم‌خوانی دارد، زیرا در این پژوهش نیز یافته‌ایم که زنان سرپرست خانوار دارای مشکلات اقتصادی، اجتماعی هستند و حتی در این پژوهش به ابعادی که در آن پژوهش به آن توجه نشده است از جمله مسائل فرهنگی و روحی و روانی نیز موردتوجه قرار گرفته است.

سعید معید فر و نفیسه حمیدی در تحقیقی با عنوان زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۶ به بررسی مسائل مربوط به وضعیت زنان سرپرست خانوار پرداخته و مشکلات زنان سرپرست خانوار با عنوان مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در این تحقیق بیان شده است. همین‌طور که قابل مشاهده است نتایج این پژوهش نیز یافته‌های پژوهش ما را تأیید می‌کند و مه‌ری بر تأیید یافته‌ها در این پژوهش است.

شهناز طباطبایی یحیی‌آبادی و سیمین حسینیان در تحقیقی با عنوان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار که در مجله خانواده پژوهی زمستان ۱۳۸۴ به چاپ رسیده بیان می‌دارند که برنامه مشاوره گروهی بر عزت نفی زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد. همچنین برنامه‌های آموزشی کارآفرینی با عزت‌نفس آنان تأثیر دارد. ام لیلا تاتینا بلداجی، آمنه فروزان و حسن رفیعی در تحقیقی با عنوان کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی در سال ۱۳۸۹ که با روش علی-مقایسه‌ای صورت گرفت، به این نتیجه دست یافتند زنان سرپرست خانواده و زنان شاغل خدماتی دارای کیفیت زندگی متوسطی هستند، اما در زنان شاغل خدماتی این مقدار بیشتر است. حسن دانایی‌فرد و ناهید امراللهی بیوکی و علی‌اصغر فانی و علی‌رضاییان، تحقیقی با عنوان کنکاشی پیرامون پیش‌آیندهای مؤثر بر فرایند شکل‌گیری بهروزی سازمانی در بهار ۱۳۹۲ انجام داده‌اند؛ آن‌ها پدیده بهروزی سازمانی را در ادارات دولتی موردبررسی قرار دادند که نتایج حاصل از این تحقیق تأییدکننده متغیرهای شناسایی شده در فرایند بهروزی سازمانی است. اگر با دقت مطالعات صورت گرفته را مرور

کنیم به طور غیرمستقیم متوجه می‌شویم که در تمامی آن‌ها مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روحی و روانی با بهروزی زنان سرپرست خانوار رابطه دارد و هر چه مسائل مربوط به وضعیتی آنان (اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی-روحی و روانی) بیشتر شود، بهروزی در آنان کاهش پیدا می‌کند و می‌توان این‌چنین بیان کرد که بین مسائل وضعیتی و بهروزی زنان سرپرست خانوار رابطه غیرمستقیم و معنادار وجود دارد. مطالعات صورت گرفته در بالا همگی یافته‌های این پژوهش را تأیید می‌کنند. به مسئولین مربوطه پیشنهاد داده می‌شود که حمایت، بیشتر مالی از این زنان به عمل آید تا شاید بتواند باعث کاهش برخی از فشارهای روحی و روانی آنان شود. هم‌چنین ایجاد مراکز ازدواج و تشویق این زنان به ازدواج صحیح و مجدد را می‌توان راهکاری مناسب برای کاهش مسائل آنان در نظر گرفت، از طرف دیگر فراهم نمودن مشاغل خانگی و کارآفرینی توسط خود این زنان و برگزاری کلاس‌های مربوطه اشتغال‌زایی و آموزشی و فنی و حرفه‌ای، زمینه را برای افزایش درآمد این خانوارها فراهم می‌کند. ارائه خدمات تفریحی و گردشگری و ... به صورت رایگان، نیز می‌تواند تا حدودی مرهمی برای آنان باشد. این تحقیق بر روی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار بهزیستی و کمیته امداد انجام شده است و رنایی که زیرپوشش نمی‌باشند را در برنمی‌گیرد، لذا به محققان آتی پیشنهاد داده می‌شود که این تحقیق را در زمان‌ها و مکان‌های دیگر و با در نظر گرفتن زنان زیرپوشش نمی‌باشند، انجام دهند و نتایج آن را با نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق مقایسه نمایند.

## منابع

۱. تاتینا بلداجی، ام لیلا، فروزان، آمنه، رفیعی، حسن (۱۳۸۹). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۲. خسروی زهره (۱۳۸۷). بررسی مشکلات عاطفی، روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار، مرکز مشارکت امور زنان نهاد ریاست جمهوری.
۳. دانایی فر، حسن، امراللهی بیوکی، ناهید، فانی، علی اصغر، رضاییان (۱۳۹۲). علی کنکاشی پیرامون پیش‌آیندهای موثر بر فرایند شکل‌گیری پدیده بهروزی سازمانی (مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی)، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ششم، شماره نوزدهم، صفحه ۵-۲۴.
۴. طباطبایی یحیی آبادی، شهناز، حسینیان، سیمین (۱۳۸۴). توانمند سازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه سازی و کار آفرینی، فصلنامه خانواده پژوهی سال اول شماره ۴.
۵. کارنامه سازمان بهزیستی کشور از سال ۱۳۸۱- تا سال ۱۳۸۷.
۶. مطیع، ناهید، (۱۳۷۸). فرصت‌های کودکان در خانواده‌های زن سرپرست، یونیس، مجله زنان.
۷. معید فر، سعید، حمیدی، نفیسه، (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳.
۸. نجف آبادی، نازنین، (۱۳۸۵). بررسی وضعیت اشتغال زنان بیوه استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. نوابخش، مهرداد، مولایی، نرگس، (۱۳۸۹). مسایل فرهنگی مشارکت زنان سرپرست خانوار بر مبنای عضویت در سازمان‌های حمایتی، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی سال ششم شماره ۱۴.
- ۱۰.
11. Fogel, R. W. (1999), catching up with the economy: American Economic Review 89: 1-21.10.
12. Langlois, J., Fortin, D. (1994). 'Single-parent mothers, poverty & mental Health: A literature Review'. Sante -Mental (1994, 19, 1, spring, 157-173).
13. Chant, S. (1997). 'Women-headed households: Diversity & dynamics in the developing world'. Houndmills, Basingstoke; Mcmillan.

## Analyzing of Conditional Issues of Female-Headed Households and Their Familial Prosperity (Case Study: Women covered by the Relief Foundation and State Welfare Organization of Ilam)

Seyed Ali Gholi Rowshan<sup>1</sup>, Nour-Mohammad Yaghoubi<sup>2</sup>, Amin Reza Kamalian<sup>3</sup>, Homayoon Nori<sup>4</sup>, Ehsan Namdar Joyami<sup>5</sup>, Mahin Rashki Ghaleno<sup>6</sup>, Fateme Rashki Ghaleno<sup>7</sup>

*1- Associate Professor of Department of Management, University of Sistan and Baluchestan. Iran*

*2- Professor of Department of Management, University of Sistan and Baluchestan. Iran*

*3- Associate Professor of Department of Management, University of Sistan and Baluchestan. Iran*

*4- PhD Student, Public Administration, Islamic azad University of Sistan and Baluchestan. Iran*

*5- PhD Student, Public Administration, University of Sistan and Baluchestan. Iran*

*6- PhD Student, Industrial management-Finance, University of Sistan and Baluchestan. Iran*

*7- M.A. Degrees in Public Administration, University of Sistan and Baluchestan. Iran*

---

### Abstract

The aim of this research is to analyze the issues related to the economic, social, cultural, mental and psychological conditions with prosperity of female-headed households. The research is practical from the goal perspective and is descriptive from the nature point of view and is survey from method perspective and the spss 19 and lisrel 8/8 softwares were used for analyzing the data. The intended society is guardianless women (self-guardian) covered by the relief foundation and state welfare organization of Ilam which has a population over than 11840 people. The sample magnitude is over than 372 persons by using the Cochran's formula with measurement error factor of 0.05 (the reliability level of 0.95). To have more reliable sampling, we considered the sample to be 750 persons (The Cronbach's alpha is 0.906 for whole relation). The results show that the entire factors with the respect of priority of economic, psychological, social and cultural with the amount of -0.85,-0.78,-0.67,-0.53 have significant, indirect and linear relation with women's prosperity. The main issue these women deal with is the issue related to economic condition and psychological condition which suffer them a lot. It can be said that the main reason of psychological issues is economic issue. (Totally the female-headed households have low economic, social and cultural issues which cause a lot of psychological problems for them).

**Keywords:** Familial prosperity, economic issues, social issues, cultural issues, psychological issues.

---